علیرضا عسکری‌چاوردی

ساسانیان و نقش آنها در تمدن بشری

مدیر میراث جهانی منظر باستان‌شناسی ساسانی فیروزآباد و سروستان فارس

ساسانیان یکی از دو امپراتوری مهم ایران باستان هستند که بخش مهمی از تاریخ جنوب باختری آسیا را در طول هزاره یکم میلادی پدید آوردند. این پادشاهی به مدت چهار سده بر بخش‌های گوناگون آسیا جیرگی داشت و همواره‌ی حدی برای امپراتوری روم به حساب می‌آمد. هر دو دودمان ساسانی و روم وارث امپراتوری‌های بزرگ پیش از خود بودند: هخامنشیان و سلوکیان. بنابراین این وارثان به ویژه ساسانیان در چارچوب سنت‌های تاریخی یک هزاره پیش از خود، سرنوشت کهن‌ترین مناطق تاریخی سرزمین‌های میان اقیانوس هند تا مرزها و کناره‌های دریای مدیترانه را تعیین کرده‌اند (Daryaee 2010: 236-255 Yarshater ;1971:517-520).

پادشاهی ساسانی در پی تجربه دولت‌های بزرگی مانند هخامنشیان و اشکانیان در منطقه خاورمیانه پدایش یافت. این پادشاهی شهرهای پایتختی خود را در منطقه ایران و میان‌رودان گسترانید و سنت‌های سیاسی، اقتصادی و مذهبی چندهزاره تاریخ این سرزمین‌ها را مبنا و پایه اندیشه خودش قرار داد اما رایش نوآوری‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی ساسانیان در این بستر سنتی بسیار اهمیت دارد (Christensen 1944).

۳۲ پادشاه از سال ۲۲۴ (پیروزی اردشیر بابکان بر پاوسین پادشاه اشکانی) تا سال ۶۵۱ میلادی (سال کشته‌شدن یزکرد سوم، واپسین پادشاه ساسانی) به مدت ۴۲۷ سال در چارچوب امپراتوری ساسانی به استناد مطالعات سکه‌شناسی و متون تاریخی بر ۲۷ استان نام برده شده در کتیبه نقرشده در بنای کعبه زردشت در نقش رستم فارس حاکمیت داشتند (Sprengling 1937: 126-244; 1953:2-114). میراث این حکومت بزرگ نوآوری در فنون معماری مانند برپایی بناهای باشکوه در سنت کاخ‌سازی با استفاده از مصالح بوم‌آورد لاشه سنگ، ملات گچ و خشت و رایش فنون معماری به‌ویژه فن ایجاد تاق، قوس و اختراع گنبد خاوری برای نخستین بار در بناهای ساختمانی، ایجاد شهرهایی بزرگ با طرح دایره برای نخستین بار، توسعه شبکه‌های پیشرفته آبیاری در کشاورزی، ایجاد صحنه‌های نمایش قدرت با تاج‌گذاری بـا آفرینش ۳۸ صحنه نقش‌برجسته، و ساماندهی نظام‌های مذهبی با تکیه بر آیین نکوداشت آتش به عنوان منشا نور و حقیقت بود.

بنیان‌گذار دودمان ساسانی، اردشیر بابکان (۲۲۴-۲۴۳ م)، در پی تحولات سیاسی اواخـر دوره اشـکانی و برآیندگی حاکمیتی و دینـی از فیروزآباد فارس برخاسـت (Bivar 1989: 883). خانـدان وی، از خانـواده بازرنگیـان فـارس یعنـی متولیان امور مذهبی این منطقه بودند و مشـروعیت لازم برای دسـتیابی به قدرت سیاسـی را داشـتند (Frye 1983: 118-119). اردشـیر یکـم بنیان‌گـذار حکومت ساسـانی، منطقـه فـارس یعنی مرکـز نوزایی سـرزمین ایـران را یکبارچـه و بـا جیرگی بر مناطـق داخلی ایران در سـال ۲۳۰ میلادی به عنوان شـاه ایران سـکه ضرب کرد (Wiesehöfer 1986:371-376). وی، شـهر فیروزآبـاد را بـا کاربری نظامی بی‌نیرزی کرد و نخسـتین بناهای خود را در این دشت ساخت. ساختار سیاسی پادشاهی خود را بـر منطقه فارس، فـلات ایران و میـان‌رودان در چارچوب دیوان‌سـالاری دولتی تشـکیل داد و نوآوری مهم وی اسـتقرار یک مذهب رسمی دولتی بود. در پی همین اصلاحات، با افزودن دیوان‌سالاران دولتی به طبقات اجتماعی مانند مغان، جنگاوران و کارگران در کتاب مقدس اوستا، یعنی کتاب مذهبی آیین زرتشتی، ساختار حکومتی پادشاهی ساسانی را با هدف جلوگیری از فروپاشی و تجزیه سرزمین ایران به کانونی ملی‌گرایانـه برای وحدت و حفظ هویت ملی ایرانیـان تغییر داد (Frye 1979: 335-341). پویایی هنری بنیان‌گذار پادشاهی ساسانی کمتر از اصلاحات سیاسی و مذهبی او نبود بلکه شـاهکارهای هنر معماری بومی ایران برای نخسـتین بار با استفاده از مصالح بوم‌آورد با نوآوری در سـبک هنر محلی بـا سـاخت دو بنای کاخ قلعه دختر، کاخ آتشـکده، ایجاد شهر شکوه اردشیر با بلان دایره بنیان گذاشته شد. نبوغی که در مقیاس بناهای بزرگ فیروزآباد برای نخستین بار در خاورمیانه تجربه شد، در سرتاسر ایـن دوره پیوسـتگی یافت و در هنر دوره اسـلامی به ویژه بنای گنبد مسـاجد ایران چشمگیر شد (Frye 1983: 116-118). اصلاحات اساسی اردشیر در ضرب هشت نوع سکه با تاج ویژه خود سنتی برای سایر پادشاهان این دودمان بزرگ شد به گونه‌ای که امروزه تاریخ‌گذاری دوره ساسانی برای تاریخ‌نگاران در بررسی چهره و تاج هر پادشاه ساسانی یا سایر آثار هنری این دوره به آسانی ممکن شده است.

آثار سـاسـانی فیروزآباد، مجموعه متشـکل از سـاختار شـهری دایره‌وار با برج‌ها و باروهای دفاعی محاط درون خندقی است که به شهر گور یا شکوه اردشیر معروف است. دو بنای بزرگ قلعه‌دختر و کاخ هر دو از بناهای باشکوهی هستند که کارکرد آنها به عنوان واحدهایی سیاسی، اداری مطرح است. در مسیر تکاب فیروزآباد نیز دو صحنه نقش‌برجسته کنده‌کاری شده است که بازتابی از تحولات سیاسی دوره ساسانی به ویژه انتقال قدرت از حکومت اشـکانی به ساسانی اسـت (Lukonin 1972: 294-291). این آثار سـاسـانی در محدوده‌ای جغرافیایی به نام اردشـیر خوره یا شکوه اردشیر در دوره سـاسـانی بنا شده‌اند ولی نام این محل در دوره اسـلامی به فیروزآباد یا پیروزآباد تغییر داده شده است (Huff 1983: 296-298).

فیروزآباد شهری بزرگ و مشهور اسـت که مجموعه‌ای وسیع از نوآوری‌های تمدن ساسانی در آنجا تحقق یافته است. منطقه‌ای که بنیان یا کهواره دودمان و تبار ساسانیان اسـت. فارس شـاخص‌ترین و بسـنده‌ترین منطقه پادشاهی ساسانیان اسـت که باید شـکل‌گیری، دگرگونی و پایداری اجتماعی، فرهنگی و سیاسـی بیش از ۴۰۰ سال تمدن ساسانی را در آنجا نشان داد. این تمدن در درازای حیات خویش گستره فرهنگ ایران را مدیریت کرد و میراثی برای نفوذ آیین اسلام به یادگار گذاشت.

منظر باستان‌شناسـی ساسـانی فارس همچنین با برداشت از سـنت‌های آیینی و فرهنگی هخامنشـی و اشـکانی، دادوسـت فرهنگی با هنر و معماری روم باستان و فرایند قابل ملاحظه تأثیر آن بر طراحی شـهر، معمـاری و رویکردهای هنر ایران در دوره اسلامی را نشان می‌دهد. این منظر باستان‌شناختی شکوهمند نمونه‌های کامل و شاخص از شبکه‌ای کارآمد و کارا در استفاده از زمین و بهره‌برداری از منابع زیست‌بوم در داد و دهش با محیط زیسـت اسـت که فنون، نوآوری و سبک معماری ویژه مانند برپایی گنبد بر طرح مربع اسـاسی‌ترین سهم ساسانیان در مهارَی (معماری) ایران در خاورمیانه است.

مجموعـه «میـراث جهانـی منظـر باستان‌شناسـی محور سـاسـانی فـارس» در چهل‌ودومین کردهایی مجمع جهانی یونسکو در شهر منامه پایتخت بحرین در تیرماه ۱۳۹۷ خورشیدی با شماره ثبت ۱۵۶۸ در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار گرفت.

تمدن بین‌النهرین هدیه دجله و فرات

شرق: هرودت، تاریخ‌نگار یونانی می‌گوید «مصر هدیه رود نیل است». ما نیز بـه جرئت می‌توانیـم درباره بین‌النهریـن بگوییم که شـکل‌گیری ایـن تمدن هدیه رودهای دجله و فرات اسـت. وقتی از تمدن‌های قدیم بین‌النهرین یاد می‌شـود، منظور تمدن‌های باسـتانی هسـتند که از نیمه هزاره چهارم ق.م (تقریبا ۳۲۰۰ ق.م) تا نیمه هزاره اول ق.م (تا حدود ۵۳۹ ق.م) و تا قبل از اینکه کل بین‌النهرین به دسـت هخامنشیان تصرف شود، در این منطقه حکمرانی می‌کردند.

موقعیت جغرافیایی سرزمین بین‌النهرین

سرزمین بین‌النهرین به وسـعت حدود ۱۸۵۴ هزار کیلومتر مربع به زمین‌های واقع در بین دو رود دجله و فرات و سـرزمین‌های جانبی آنها گفته می‌شـود. واژه بین‌النهرین به معنای «سرزمین میان دو رود»[1] نیز به فارسی به «میان‌رودان» می‌گویند. بین‌النهرین از شمال به کوه‌های ارمنسـتان، از شرق به رشته‌کوه‌های زاگرس، از جنوب به خلیج فارس و صحرای عربسـتان و از غرب هم به کویر شام محدود می‌شـود. دو رود دجله و فرات به خوبی به‌وجودآمده سـرزمین بین‌النهرین هسـتند و در فاصله ۱۰۰کندی دوری از هـم[2] از کوه‌های توروس در ارمنسـتان واقع در قفقاز سرچشمه می‌گیرند. البته در بین مسیر رودهای دیگری از جمله از رشـته‌کوه‌های زاگرس به رودهای دجله و فرات اضافه می‌شود. رودخانه دجله و فرات در سرچشـمه اصلی بعضی کوه‌های ارمنسـتان در نزدیکی هم هستند اما در ادامه مسیر از هم دور می‌شـوند تا اینکه در نزدیکی بغداد، فاصله این دو رود کم شده و به حدود ۳۰ کیلومتر می‌رسـد. این دو رود بعد از عبور از نزدیکی بغداد، دوباره از هم فاصله می‌گیرند تا اینکه در نزدیکی هفت‌قرنه[3] (حدود ۲۸۵ کیلومتری جنوب شـرق بغـداد)، در زمان شکل‌گیری حکومت خلیج عرب، این نواحی به دلیل کشاورزی و کانال‌های آبرسانی و فراوانی غلاتی که داشته، انبار غله امپراتوری اسلامی محسوب می‌شده است.

وضعیت طبیعـی بین‌النهرین، هم مانـع ازدیاد جمعیت بود و هم مانع شـکل‌گیری ارتباطات. وجود سیلاب‌ها و سرریشـدن آب رودخانه دجله و فرات مانع افزایش جمعیت می‌شـده و جادها هم دسـتخوش طغیان رودخانه‌ها می‌شـده و برای ارتباطات مشـکلاتی ایجاد می‌کرده اسـت. قسمت پایین‌دسـت رودخانه فرات و دجله در فصل‌های پاییز برای کشتیرانی هم استفاده می‌شده است.

تمدن بین‌النهرین حالت مثلثی‌شـکل دارد. از شـرق به درِاچه ارومیه منتهی می‌شود، در جنوب به دهانه اروند رود و در غرب هم به شـهر حیت ختم می‌شـود. عراق و سوریه بیشـترین سـهم را در این سـرزمین دارند و عراق از سوریه سهم بیشـتری دارد. قسمت‌های کوچکی از ایران و ترکیه هم در این مثلث قرار داشته‌اند.

نام‌گذاری بین‌النهرین و تمدن‌های قدیم آن

وقتی از تمدن‌های قدیم بین‌النهرین یاد می‌شود، منظور تمدن‌های باستانی هستند که از نیمـه هزاره چهارم ق.م (تقریبا ۳۲۰۰ ق.م) تا نیمـه هـزاره اول ق.م (تا حدود ۵۳۹ ق.م) و تا قبل از اینکه کل بین‌النهرین به دسـت هخامنشیان تصرف شود، در این منطقه حکمرانی می‌کردند.

در ابتدا بیونانی‌ها و در زمان ورود اسـکندر مقدونی به این منطقه، آن را Mesopotamia (مزوپوتومیا) نامیدند. نخسـتین کسـی که این نام را بر این منطقه گذاشت، پولیبیوس، مورخ یونانی بود. اثر مشهور او تواریخ نام دارد که درباره تاریخ روم و کشورهای اطراف است. تولد او در حدود ۲۰۵ و درگذشت او در حدود ۱۲۵ ق.م بوده است.

تمدن‌های بین‌النهرین مانند سومری، آکدی، بابلی، آشوری، کلدانی (بابلی جدید) است که به‌ترتیب در این منطقه به‌وجود آمده و حکومت تشکیل دادند. بین‌النهرینی‌ها حدود سه هزار سال در این منطقه تداوم داشتند. این تمدن بین‌النهرین از نظر قدمت تاریخی با تمدن مصر برابری می‌کند. برخی از محققان معتقدند قدمت جنوب بین‌النهرین یعنی «سومر» زادگاه نخسـتین تمدن بشری اسـت. درباره منشا قوم سـومر و تمدن سومر نظرات مختلفی مطرح اسـت. درخصوص نحوه شکل‌گیری تمدن سومری اتفاق نظر وجود ندارد. گروهی از مورخان معتقدند که تمدن‌های قدیم سومری و ایلامی که در کنار یکدیگر هسـتند، منشا واحد دارند و محل اولیه‌شان منطقه‌ای در جنوب شرق ایران یعنی کوه‌ستان‌های بلوچستان بوده اسـت. در مقابل اما ساموئل نوا کرامر (متولد ۱۸۹۷ و درگذشت ۱۹۹۰)، یکی از شرق‌شناسان آمریکایی و اسـتاد آشورشـناسی دانشـگاه پنسیلوانیا و صاحب نظریه‌ی الواح سـومری، تاریخ را سومر آغاز می‌شـود... درباره آشور و سومر و بین‌النهرین معتقد است تمدن را مهاجرانی از جنوب غربی ایران به جنوب بین‌النهرین آوردند. در واقع همه تمدن‌های بین‌النهرین وجود نداشـته بلکه در ابتدا در جنوب غربی ایران، تمدن شکل گرفته و سـپس از طریق مهاجرانی از جنوب غربی ایران، در جنوب بین‌النهرین تمدن شـکل گرفته است. گرامر می‌گوید یکی از خصوصیات این قوم اسـتفاده از خاطر سـفالی رنگی بوده و گفته بر اساس آمیزش دو نژاد ایرانیان از مشرق و ساامیان از مغرب، نخسـتین تمدن در بین‌النهرین به وجود آمده. افراد دیگر اما معتقد هسـتند که تمام ملل آشوری در ایجاد تمدن سومری سهم داشته‌اند.

برخی از محققان معتقدند که تمدن سومری مجموعه‌ای است از تمام ملل آسیای غربی. آرنولد توینبی (متولد ۱۸۸۹ و درگذشـت ۱۹۷۵)، یکی دیگر از محققان بریتانیایی اسـت که درباره تاریخ کتاب ۱۲جلدی دارد و کتابی هم به نام «تاریخ تمدن: تحلیلی از تاریخ جهان از آغاز تا عصر حاضر» دارد که در آن اشاره کرده سومریان در حوزه سفلای دجله و فرات برای شروع کشت آبرفت، قدیمی‌ترین کوته‌های جدید جوامع انسانی یعنی تمدن‌های منطقه‌ای را بیا کرد‌ند.

خط در ۳۲۰۰ ق.م در سومر ابداع شده اما توئینبی می‌گوید هرچند در سومر تمدن شکل گرفته امـا نمی‌توان مطمئن بود که سـومری‌ها مخترعان اولیه خط باشـند. او گفته حتی نمی‌توان مطمئن بود که سومری‌ها اولین پیشگامان کشاورزی در جنگل‌ها و مناطق باتلاقی باشند.

با توجه به کشـفیات سال‌های اخیر در جیرفت (نزدیک جنوب شرق ایران) و نشانه‌هایی که از خرط از آنجا به دسـت آمده، به نظر می‌رسد را بین‌النهرین قدیمی‌تر باشد. این کشفیات شـاید بتواند نظریاتی را که می‌گویند تمدن از جنوب شـرق به بین‌النهرین منتقل شده باشد، تایید کند.

با توجه به شـواهد باستان‌شناسـی که تاکنون داریم، خط میخی برای اولین بار توسـط سـومری‌ها ابداع شده. هرچند برخی می‌گویند خط از جای دیگری به سومر منتقل شده اما این فرضیات تا ثابت نشود و مدارک باستان‌شناسی به دسـت نیاید، زیاد نمی‌توان به آنها استناد کرد. مگر آنکه به قطعیت برسد.

شواهد باستان‌شناسی می‌گوید سومری‌ها اولین بار خط میخی را به کار بردند و قوانین آن را وضع کردند و علوم و صنایع از اینجا به سـایر ملل منتقل شـد. مانند تمدن‌هایی که سـاخته بعد از ۶۰ دقیقه، تقسـیم دقیقه به ۶۰ ثانیه، تقسیم سال به ۱۲ ماه و ۳۶۵ روز و... که از کمک‌های تمدن سومری‌هاسـت و از اینجا به آنها به دسـت آمده. همچنین وزن‌ها و اسـتفاده از مسـاحت‌ها و واحد وزن در سـوم «مینا» نام داشته که همان «من» اسـت.

لئونارد وولی، باستان‌شـناس بریتانیایی (متولد ۱۸۸۰ و درگذشـت ۱۹۶۰) کارهای مهمی در خاورمیانه و بین‌النهرین انجام داده. از جمله سرپرستی هیئت باستان‌شناسی شهر اور که مربوط به سومری‌هاسـت. تحول در هنر سومری، قهرمان پادشاهی‌های فراموش‌شـده، هنر خاورمیانه و... از جمله آثار اوسـت. وولی معتقد است که تمدن مصر به تمام معنا وامدار و متمدن نمودن سومر اسـت. او گفته که سومری‌ها در تمدن، معظم نشر قدیم بوده‌اند. از جمله شواهدی که از سومر به دسـت آمده: قانون‌نامه‌های اورنمو و حمورابی.

کاوش‌های باستان‌شناسی بین‌النهرین

قسـمت جنوبی بین‌النهرین، جلگه‌ای از دشـت‌های باستانی بین‌النهرین گوهسـتانی اسـت. برای اسـاسـت معاند در جنوب بین‌النهرین از آجرهای پخته و ملات قیر اسـتفاده شـده. سنگ در بین‌النهرین به‌ویژه در قسمت‌های جنوبی آن کمیاب است و به همین دلیل خانه‌ها و بناهایی که در جنوب بین‌النهرین سـاخته شـده، اغلب با گل و خشـت ساخته بوده. به همین دلیل در قرون متمادی، خشـت‌ها و دیوارهای گلی که در ساخت‌وسـاز اسـتفاده شده‌اند در معرض فرسـایش قرار گرفته‌اند یا از بین رفته‌اند. اکنون بقایای شهرهای بزرگ که بعضا مردم در آنها می‌کوشند داشتند، به تلی از خاک تبدیل شده است. این تل‌ها که اصطلاحا «تل» گفته می‌شـود، بقایای عمارت‌ها، کاخ‌ها و شهرهایی است که ویران شده و به دوره دیرتر آثار آنها با بناهای جدید شکل گرفته. در واقـع آنچه به عنوان خاکروبه‌ها و لایه‌های باسـتانی دوره‌های قبل باقی مانده، به عنوان پی ساختوساز دوره‌های بعدی مورد اسـتفاده قرار گرفته‌اند. به همین دلیل در کاوش‌های باستان‌شناسی، درهم‌ریختگی در این لایه‌ها دیده می‌شود.

باستان‌شناسان با ایجاد برش عمیق عبور لایه‌ها از سطح زمین به سطح‌های پایین می‌روند و سطوح همگن را از لحاظ «سـخیت مواد، اشـیا، رنگ و نقش سفال» از یکدیگر متمایز می‌کنند. وقتی باستان‌شناسان کاوش‌های باستان‌شناسی را به باستانی یا ایالتگرای کرده و کادهنگاری آن را انجام می‌دهد و می‌خواهد مشخص کند از قدیمی‌ترین ایام تا جدیدترین زمان چه دوره‌های فرهنگی‌ای در آنجا حضور داشته‌اند. لایه‌ها را بر اساس «سخیت مواد، اشیا، رنگ و نقش سـفال از یکدیگر» بررسی کرده و با این کار سـعی می‌کنند خط از جای دیگری به سومر منتقل شده اما در منطقه زندگی می‌کرده‌اند. تخمین زده و کادهنگاری کنند. این تخمین‌ها، تخمین‌های نسبی است. این نوع تخمین‌ها و کادهنگاری‌ها به صورت نسـبی و تطبیقی است. برای کادهنگاری مطلق باید آزمایش کربن ۱۴ انجام شود و قدمت اشـیا را با این روش به دسـت آورند. هرچند این روش هم معمولا خطا دارد اما درصد خطای این روش خیلی کمتر است.

تا سـده‌های اخیر اطلاعات موجود در مورد دوره‌های اولیه و نخستین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در بین‌النهریـن به روایات کتب مقدس و قصص قدیمی محدود بود. باستان‌شـناسی که در قدیم در منطقه بین‌النهرین کوشـش می‌کردند بر اسـاس متون کتـب مقدس (تورات، انجیل، قرآن) ناهها را پیدا کرده و مشـخص شـده اسـت. زمان و خاک و خـون ۱۵۰۰ سال قبل از تاریخ‌شـدن خط و زبان کامـلی منسـوخ شـده؛ یعنی ابتدا زبان و خط سـومری نابود بوده، بعد منسوخ شد. سپس خط میخی اکدی و بابلی و آشوری.

سومری‌ها

اولین‌بار فردی به نام «ژول اوپرت» (۱۸۲۵ و درگذشت ۱۹۰۵) خوارشناس آلمانی-فرانسوی نام سومر را به این قوم داد و اولین کتابش را در ۱۸۸۱ میلادی با عنوان «مطالعات سومری» به زبان فرانسه چاپ کرد.

نام «سـر هنری راولینسـون، ادوارد هینکس و ژول اوپرت» به‌عنوان قدیمـین سـه‌گانه آن ارائه کرد. اروپایان و غربیان جذب بین‌النهرین شدند. او تصاویر خشت‌های بنای ایلامی و مراحل مختلف معابد و فرهنگی غرب و دربارها متوجه اهمیت جسـت‌جوی در مشرق‌زمین و بین‌النهرین شـدند و بنا که دیامان به کار بسـته می‌شـد. سفرها و پایدیدهایی که در قرن ۱۷ میلادی انجام شد، به بازدید آثار و بناها یا بقایای رویی سطح خاک محدود می‌شد. کسی در آن زمان به فکر کاوش و حفر تپه‌های باستانی نبود. تا اینکه در اواسط قرن ۱۹ میلادی در سال ۱۸۴۳ میلادی برای نخسـتین بار یک دیپلمات به نام بل امریا بویل (کنسـول ایتالیایی‌تبار فرانسه در موصل-تولد ۱۸۰۲ و درگذشـت ۱۸۷۰م)، نخسـتین کاوش‌های باستان‌شناسـی بین‌النهرین را در خرسـاباد، پایتخت آشور جدید و پایتخت سارگن دوم (پادشاه آشوری) انجام داد. او سـیس شهر آشور را در شمال بین‌النهرین کشف کرد. با این کار دوران جدیدی در مطالعه آغاز می‌شود. در اواخر قرن نوزدهم میلادی آثار بیسـتری از تمدن سـومری به دسـت آمد؛ ازجمله فرانسـوی‌ها خرابه‌های شهر سـومری «لاگاش» را پیدا کردند که الواح بسـیاری درخصوص حکومت و تاریخ سـومری داشـت. همچنین در سال ۱۸۸۹ میلادی غنی‌ترین کتابخانه اسناد خط و زبان سـومری توسط باستان‌شناسـان آمریکایی در شهر نیپور به دسـت آمد. تا این زمان زبـان سـومری به نحـو کسـترده‌ای قابل فهـم نبـوده. در پی چند دهه، تمدن سومر که تا آن زمان ناشـناخته مانده بود، شـناخته شـد. دنیا در آن زمان از زبانی که بین‌النهرین هم توانسـته بود به اندازه مصر و یونان گنجینه‌هایی داشـته باشد، دچار شـگفتی شده بود.

افرادی مثل بوتا، لایارد، اسمیت و... خطرهایی که در منطقه بین‌النهرین انجام می‌دادند، کارهای باستان‌شناسـی علمی نبود و ثبت و ضبط نمی‌کردند و گزارشی هم منتشر نمی‌شد و در واقع آماتور و دنبال عتیقه‌جات بودند. هدف اصلی‌شان کشف مجسمه، نقش‌برجسته، کتیبه‌ها و اشـیای هنری و آثار شاخص بود تا به موزه‌های کشورهای‌شان ارسال کنند و وقتی برای پرداختن به خشت‌ها، آثار معماری، ظروف سفالی و طراحی نمی‌گذاشتند. حتی بسیاری از آثار مانند خشت، سفال و کتیبه‌ها را از بین بردند.

این رفتار یا آثار تمدن‌های باسـتانی ادامه داشـت، تا زمانی کـه آلمانی‌ها در اوایل قرن ۲۰ میـلادی وارد سـرزمین‌های بین‌النهرین شـدند کـه نوبدبخش نوع جدیـد کاوش‌های باستان‌شناسی بود و باعث تحول در این کاوش‌ها شد.

در اوایل قرن بیسـتم دو باستان‌شـناس آلمانی به نام «روبرت کولدوی» (متولد ۱۸۵۵ و درگذشـت ۱۹۲۵ میلادی) بین سـال‌های ۱۸۹۹ تا ۱۹۱۷ میلادی در بابل پایتخت دولت بابل و «والتره آندره» (متولد ۱۸۷۵ و درگذشـت ۱۹۵۶م.) در شـهر «آشور» بین سال‌های ۱۹۰۳ تا ۱۹۱۴ میلادی کاوش‌های باستان‌شناسـی انجام دادند. شـیوه کار آنها با تکنیک و موثر بود و بـه‌زودی در بقیه جاها مورد پذیرش قرار گرفت. در فاصله ۲۰ سـال بین دو جنگ جهانی شاید درخشان‌ترین و برثمرترین ادوار تاریخ باستان‌شناسی بین‌النهرین است. در این دوره «سر لئونارد وولی» حفاری شهر باستانی «اور» را بر عهده گرفت.

در تورات، اور به‌عنوان زادگاه ابراهیم نبی نام برده شـده اسـت؛ وولی موفق به کشـف قبرسـتان پادشاهان سلسله اول سومریان مربوط به ۲۴۵۰ سـال قبل از میلاد شد. همچنین هیئتی از دانشگاه شیکاگو، با همکاری باستان‌شناسی به نام «هنری فرانکفورت» (متولد ۱۸۹۷ و درگذشت ۱۹۵۴م.) در منطقه دیاله، تل آسُمَر و خرسابادِ کاوش کردند.

هنری فرانکفورت از سـال ۱۹۲۹ میلادی به بعد از طرف دانشگاه لندن ریاست گروه‌های باستان‌شناسـی در عراق و مصـر را بر عهده می‌گیرد و کتاب معتبر «هنر و معماری شـرق باسـتان» را براسـاس این کاوش‌ها تدوین می‌کند و به چاپ می‌رساند. از جمله دیگر آثار او: مذهب مصر باستان، تولد تمدن در خاور نزدیک، سلطنت‌ها و خدایان.

برخی از آثاری که هنری فرانکفورت از کاوش‌ها در دیاله انجام می‌دهد مربوط به سـلسـه اول تا سوم بین‌النهرین است. هیئت دیگری نیز در منطقه نوزی (نزدیک کرکوک و کاورا) کار کاوش انجام داده است.

باستان‌شناس دیگری به نام «آندره پارو» هم در منطقه «ماری» کاوش کرده است. ماری در سـواحل مدیترانه و کنار رودخانه فرات در سـوریه فرار گرفته. جایی که سلسـله «ماری» در بین‌النهرین در آن شـکل می‌گیرد و کتاب‌های از آن در دسـت آمـده. از نظر زمانی هم با آشـور قدیم همزمان اسـت. زیمری‌لیم از حدود ۱۷۸۱ و ۱۷۵۷ ق.م پادشاه ماری بود. در کاوش‌های آندره پارو، مدارک زیادی از سلسـله اول بین‌النهرین در منطقه ماری و همچنین کتابخانه‌ای مربوط به قرن ۱۸ ق.م به دسـت آمـد. همین‌طور مدارکی مربوط به «حمورابی» پادشاه بابل قدیم در منطقه ماری به دسـت آمد.

هانریتش شلیمان، باستان‌شناس دیگری بود که شهر اوروک را کاوش کرد. شهری که قبلا در سال ۱۹۱۳م. توسط جرج کنوکن کشف شده بود. انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها نیز با هم به کاوش در کیش و جمدت‌نصر پرداختند.

پس از جنگ جهانی دوم (جنگ جهانی دوم، دومین جنگ جهانی بین سـال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ میلادی بود)، تحقیقات و کاوش‌های باستان‌شناسـی توسـعه پیدا کرد. ازجمله در نجَفزکوی، ماری، اوکاریت، تیبوا، اوروک، شـوش. همچنین نقاط بیسـتری از جریان جاری مارو، خسـوَه، مَنارو و آرپاچیه بعد از جنگ جهانی دوم برای اولین بار کاوش شدند.

باستان‌شناسـان محلـی عراقـی و سـوری برای اولیـن بـار در زمان جنگ جهانی دوم بـه تحقیقـات پرداختنـد. از جملـه در منطقه قَفَرَج (۱۹۴۱-۱۹۴۰م)، حـسـوَه (سال ۱۹۴۴-۱۹۴۳)، عَفَرکول (۱۹۴۵-۱۹۴۳م).

در این زمان آلمانی‌ها هم کاوش‌های زیادی را انجام دادند؛ مانند «لَتسـن» در شـهر اوروک. از سـوی آمریکایی‌ها هم فردی به نام «هنیـس» و «مَک‌ادا» در نیـپور (اپاتخت مذهبی سـومری‌ها) کاوش کردند. از سوی فرانسه‌ها هم آندره پارو در ماری کاوش کرد و کتابی با عنوان «سـومر و اکد» چاپ کرده است. فرد دیگری با نام «مالوون» از مَوَرد بریتانیا در نمرود، پایتخت آشـوری‌ها کار کرد و کتابی هم با عنوان «بین‌النهرین و ایران باستان» چاپ کرده. همچنین باستان‌شناس دیگری به نام سَتون لوید با کمک دو باستان‌شناس محلی به نام طاها باقر و فواد صفرو مدیر کل عراق و به نام ایرِدو (یکی از قدیمی‌ترین شـهرهای مقدس بین‌النهرین)، حَرمَل (تپه‌ای سرشار از کتیبه) و هاترا (شهر اشکانی) کاوش کردند.

از سـال ۱۹۵۸ میلادی به بعد درحالی‌که آلمانی‌ها و آمریکایی‌ها به حفاری در اوروک و نیپور ادامه می‌دادند، عراقی‌ها در تل اَلوَتل کاوش انجام دادند و آثاری بیش از تاریخ در اختیار گذاشتند. انگلیسی‌ها هم در تل اریحه، ام ذبابه، جغانمی و ابوشلیخ کاوش کردند. فرانسوی‌ها در لارسا، تیلهوم (قسمت شمالی ایران)، لهسانتی ها در نمرود و زاَینی‌ها در تل تلاّات کاوش‌هایی انجام دادند. کوشـش باسـتان‌شناس محلی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی درخورتوجه بود. و این چنین بود که با شـناخت بین‌النهرین و کاوش‌های باستان‌شناسی تمدن‌های بابل، آشور، آکد و سومریان آشکار شد.

رمزگشایی کتیبه‌های هخامنشی و نقش آن در آشورشناسی

فردی که نخسـتین بار توانسـت خط میخی فارسی باستان و ایلامی کتیبه‌های تخت‌جمشید را رمزگشـایی کرده و بخواند، پژوهشـگر آلمانی به نام «کنورک فریدریش گروتفند» (متولد ۱۷۷۵ و درگذشـت ۱۸۵۳ میـلادی) بـود. بعـد از او، در فاصله سـال‌های ۱۸۳۵ تا ۱۸۴۴ میلادی یعنی تقریبا در همان زمانی که «لایارد» و «بوتا» کارهای حفاری بین‌النهرین را انجام می‌دادند، «سـر هنری راولینسون» که افسر ارتش کمپانی هند شرقی بریتانیا، سیاست‌مدار و خاورشناس بود، توانست نوشـته‌های سه‌زبانه داریوش (فارسی باستان، بابلی و ایلامی) در ارتفاعات بیسـتون را رمزگشـایی و ترجمه کند. ترجمه این کتیبه، «لُل سرسید آشورشناسی» نامیده می‌شود. چون زمینه آشورشناسی را فراهم می‌کند. خواندن کتیبه داریوش باعث شد تا متن کتیبه‌های میخی بابلی و میخی آشوری بین‌النهرین هم رمزگشایی شود. در همین دوره یک خاورشناس ایرلندی به نام ادوارد هینکس (متولد ۱۷۶۲ و درگذشت ۱۸۵۷م.)، در کشف و شناسـایی حروف علـه خطوط میخی (حروف صدادار) به راولینسـون کمک کرد و متوجه شد که خط میخی به‌کاررفته در زبان‌های سامی خاور نزدیک، از قومی کهن‌تر گرفته شده که زبان آنها غیرسامی بوده، که در واقع این همان قوم سومر است. سومری‌ها در هزاره چهارم و هزاره سـوم ق.م حضور داشـته‌اند. حروف علـه کتیبه میخی که مربوط به بابلی‌ها بود، از کتیبه‌های سومری برگرفته شده بود.

دوره‌های زبان فارسی: فارسی باسـتان (میخی هخامنشی) - فارسـی میانه (پهلوی اشکانی - پهلوی ساسانی)- فارسی دری (از اوایل اسلام به بعد، فارسی نو).

پیشینه کاوش‌های باستان‌شناسی در بین‌النهرین

بل امیل بوتا و سـر هنری لایارد در حفاری‌های بین‌النهرین، علاوه بر کشـف تعداد زیادی مجسـمه سـنگی به اندازه طبیعی، قطعاتی از نقش‌برجسـته‌ها در اندازه‌های مختلف و اشـیای ارزنده دیگر از کاخ‌ها، معابد و تپه‌های باسـتانی کشف کردند و با خود به اروپا بردند و موزه‌هـای اروپایی (به‌ویژه لوور فرانسـه و موزه بریتانیا) را غنی کردنـد. در آن زمان علم باستان‌شناسی و کاوش در عراق و ایران و سوریه وجود نداشت و دنبال چنین اقداماتی نبودند.

یکی از مهم‌ترین گنجینه‌هایی که در این سال‌ها به دسـت آمد کتابخانه آشوربانیپال بود که به موزه‌های لوور و بریتانیا منتقل شد. آشوربانیپال در ۶۲۷ تا ۶۶۹ ق.م آخرین پادشاه با قدرت آشور (دوره آشور جدید) بود. او همان کسـی اسـت که به ایلام حمله کرد و مناطق آن از جمله جغازنبیل را به آتش کشید. کتابخانه آشوربانیپال از نینوا توسط سر هنری لایارد به دسـت آمد. یکی از مهم‌ترین گنجینه‌هایی که در این سال‌ها به دسـت آمد کتابخانه آشوربانیپال بود که به موزه‌های لوور و بریتانیا منتقل شد. آشوربانیپال در ۶۲۷ تا ۶۶۹ ق.م آخرین پادشاه با قدرت آشور (دوره آشور جدید) بود. او همان کسی است که به ایلام حمله کرد و مناطق آن از جمله جغازنبیل را به آتش کشید. کتابخانه آشوربانیپال از نینوا توسط سر هنری لایارد به دست آمد.

(نکته: خط میخی بابلی آشوری با خط میخی کدی (نوشت قدیمی) از این کتابخانه همچنین گل‌